

گفتگو

۱. دکترو منوچهر محمدی

۲. دکترو محسن مدیرشانه چی

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

اشاره:

با عنایت به محور مطالب و موضوعات این شماره «امنیت و انقلاب اسلامی»
با دو تن از استادان محترم دانشگاه آقایان:

۱- دکتر متوجه محمدی (استاد دانشگاه تهران)

۲- دکتر محسن مدیرشانه‌چی (استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)

گفتگویی صورت گرفت، که با سپاس فراوان از اساتید فاضل گرانقدر،
دیدگاهها و تحلیل‌های ایشان را در پاسخ به پرسشهای زیر به نظر علاقه‌مندان و
خوانندگان محترم می‌رساند:



۱- از گفتمان امنیتی و دقایق گفتمانی آن چه تعریفی دارید؟ آیا قبل از انقلاب
اسلامی در ایران این فضای امنیتی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های خاص
بهره‌مند بوده است؟

۲- گفتمان امنیتی رژیم پهلوی در برخورد با انقلاب ملت ایران را چگونه ارزیابی
می‌کنید؟

۳- گفتمان امنیتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را در چارچوب کدام از
دستگاه‌های گفتمانی مانند «صورت‌بندی‌های گفتمانی» یا «کنش گفتمانی»
قابل تعریف می‌یابید؟

۴- گفتمان‌های امنیتی در مقاطع مختلف تاریخی پس از پیروزی انقلاب اسلامی
ایران را در فرایند تاریخی، حاصل چه دقایق تأثیرگذاری از وجوه ذهنی و
عینی می‌دانید؟

۵- دقایق گفتمانی امنیت در آراء و اندیشه‌های حضرت امام (ره) و مقام معظم

- رهبری را چه می‌دانید؟ و بازتاب آن را در گفتمان‌های امنیتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟
- ۶- آسیب‌شناسی گفتمان امنیتی در ایران پس از انقلاب را در چه چارچوب معنایی و تفسیری قابل تحلیل و ارزیابی می‌دانید؟
- ۷- چالش‌های فراروی گفتمان امنیتی ایران را در حال حاضر چه چالش‌هایی می‌دانید و چشم‌انداز آینده را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟
- ۸- آینده بافت موقعیتی ملی، فروملی و فراملی را از منظر امنیتی مورد بررسی قرار داده و دکترین مطلوب امنیتی ایران را با توجه به تغییر و تحولات موجود در سطوح پیش گفته چه می‌دانید؟

* * *

دکتر منوچهر محمدی

مسأله امنیت و گفتمان امنیتی یک پدیده‌ی تازه نیست، از زمانی که بشر پا به این کره خاکی گذاشت و با طبیعت مواجه شد، مسأله‌ی امنیت و ایمنی او در قبال حوادث و اتفاقات و جانداران دیگر مطرح بود. امر امنیت امری بود که با توجه به رشد بشر روزبه روز دغدغه خاطر جوامع بشری شد. و یکی از عللی که افراد بشر مجبور شدند از زندگی فردی و غارنشینی به زندگی جمعی روی بیاورند به خاطر احساس امنیت بود. در واقع یکی از علل شکل‌گیری جوامع که از خانواده آغاز می‌شود تأمین امنیت و ترس از ناامنی برای افراد بود. بنابراین گفتمان امنیتی یک موضوع تازه‌ای نیست.

از زمانی که مسأله ملت - دولت به وجود آمد و جوامع مرز جغرافیایی پیدا کردند که تعیین کننده حدود و ثغور امنیتی بود که جوامع در مقابل خطراتی که از بیرون مرز آنها را تهدید می‌کرد مسأله شکل دیگری پیدا کرد.

در گذشته قبایل و جمعیت‌ها موضوع امنیت مسأله جغرافیایی نبود، بلکه مسأله اجتماعی بود که یک ایل و قبیله را به خطر می‌انداخت. ولی از زمان عهدنامه «وست فالیا» عهدنامه‌ی جغرافیایی نیز موضوع مهمی شد.

برای اینکه این امنیت بهتر تأمین شود، جنگ‌ها و صلح‌ها و قراردادهای اتحادیه‌های

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آنچه را که به عنوان مسائل امنیتی نگاه می‌کردند اینکه به عنوان یک کشور جهان سومی چگونه می‌شود در چارچوب جهانی امنیت خود را بهتر حفظ کنیم مباحث ارائه شده بیشتر گفتمان امنیتی بود، اینکه ما بی‌طرف باشیم یا به یکی از بلوک شرق و غرب بپیوندیم و... همه گفتمان امنیتی قبل از انقلاب اسلامی بود. نظام حاکم بر ایران قبل از انقلاب به این نظر داشت که امنیت ایران در صورتی تأمین خواهد شد که ما بتوانیم به اتحادیه غرب بپیوندیم زیرا خطر مورد بحث با توجه به شرایط حاکم و تاریخی خطر اتحاد شوروی در طول ۲۵۰۰ کیلومتر مرز کشور مطرح بود. به همین دلیل ورود به پیمان سنتو و وابستگی به امریکا و ژاندارمی منطقه و غیره... سیستم حاکم بر کشور در قبل از انقلاب بود.

در آن زمان منافع ملی را به امنیت ملی، رفاه ملی و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه ملی تعریف می‌کردند، لذا می‌بینیم که در بررسی ارکان منافع ملی، امنیت جایگاه ویژه‌ای را پیدا می‌کند.

باید گفت این گفتمان در قبل از انقلاب یک تعریف فیزیکی داشت. یعنی امنیت را در دور بودن از خطراتی که جامعه و نظام را از درون و بیرون تهدید می‌کند. لذا سیستم‌های امنیتی قبل از انقلاب تنها محدود به حفظ حدود کشور نبود، بلکه به طور عمده به خطرات درونی کشور نیز توجه داشت؛ زیرا نظام‌هایی که در قبل از انقلاب برپا بود از مردم جدا بودند. منافع ملی برای مردم و دولتمردان دارای تعریف متفاوتی بود و نظام‌ها بیش از آنکه به فکر امنیت مردم باشند به فکر حفظ امنیت خود بودند.

بنابراین دولت‌ها هدف دوگانه خود را در حفظ امنیت فراملی و فروملی این‌طور می‌دیدند که امنیت فراملی را در وابستگی و پیوستگی به قدرت‌های بزرگ می‌دیدند و رسالت اصلی دولت را تأمین امنیت داخلی در قبال خطراتی که از سوی مردم و گروه‌های سیاسی، اجتماعی مخالف می‌دیدند، در این نوع کشورها وجود سیستم‌های خشن مانند ساواک و پلیس‌های مخفی برای تأمین امنیت داخلی بود.

ارتش و نیروی انتظامی نه برای دفاع از مرزها بلکه برای مقابله، سرکوب داخلی تربیت می‌شد. و هرجا نیروهای انتظامی مشکل پیدا می‌کردند نیروهای ارتش وارد صحنه می‌شدند.

۲۷۹ با پیروزی انقلاب اسلامی این گفتمان امنیتی تغییری اساسی پیدا کرد. یعنی انقلاب اسلامی که مردمی‌ترین انقلاب بود و نظام جمهوری اسلامی، متکی به نیروهای مسلح جدا از مردم و یاحمایت‌های قدرتهای خارجی شکل نگرفت بلکه مهم‌ترین پایگاه قدرت خود را در مردم دید.

وجود وحدت بین مردم و نظام بهترین تأمین‌کننده امنیت ملی است، مردم حاکمیت را از خود بدانند نه بر خود، که باعث می‌شود مسائل خیلی فرق کند.

در اوایل پیروزی انقلاب با وجود همه‌ی مشکلات طبیعی که به وجود آید، در انقلاب اسلامی ایران به دلیل حضور گسترده‌ی مردم در حمایت از نظام تمام این توطئه‌های داخلی و خارجی را خنثی کرد.

چگونگی برخورد با گروهک‌ها، مقابله در جنگ نابرابر با عراق طبق محاسبات ریاضی می‌بایست موجب فروپاشی نظام نوپای ایران می‌شد که این عدم فروپاشی مربوط به تغییر گفتمان امنیتی است. که از برون‌گرایی به درون‌گرایی آمدم. فراموش نمی‌کنم که یک هفته پس از پیروزی انقلاب مهندس بازرگان در تلویزیون اعلام کرد با توجه به پیروزی انقلاب از مردم و روحانیت می‌خواهیم به مشاغل خود بازگردند تا دولت موقت بتواند به وظایف خود عمل کند، ولی آینده‌نگری امام شدیداً متوجه این خطر گردید که اگر مردم و روحانیت از صحنه خارج شوند، دشمن سریعاً این نظام نوپا را ساقط خواهد کرد و پیام دادند که مردم و روحانیت باید در صحنه باشند تا مقابل تهدیدات دشمن بایستند و عجیب آن است که در همه‌ی این موارد شیوه‌ی برخورد با مسائل امنیتی شیوه‌ی متفاوتی بود.

در دیگر نظام‌ها وقتی دچار خطرات داخلی و خارجی می‌شوند اولین حرکت ایجاد حکومت نظامی و محدودیت برای حرکت‌های مردم و جلوگیری از حضور و اجتماعات چند نفره است ولی در ایران برعکس شد، و نه تنها حکومت نظامی در کشور ایجاد نشد بلکه هرگاه خطری متوجه نظام بود، حضور گسترده‌ی مردم، خطر را برطرف می‌کرد و این تغییری اساسی بود. در تاریخ ۲۵ سال گذشته هرگاه مردم در صحنه بودند امنیت ما بهتر تأمین می‌شد و هر زمانی که مردم از صحنه خارج شدند، خطرات بیشتر شد.

در فاجعه هفتم تیر در سال ۶۰ که منافقین فکر می‌کردند با ترور سران نظام، حکومت سرنگون خواهد شد، حضور گسترده‌ی مردم در تشییع جنازه آنها این خطر را

۲۸۰ خنثی کرد. و این خیلی مهم است. در جبهه جنگ نیز بعد از تجاوز دشمن تا زمانی که بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا مدعی بود این جنگ یک جنگ کلاسیک است و فقط باید نیروهای کلاسیک نظامی در آن حضور پیدا کنند. ما مرتباً دچار شکست و عقب نشینی بودیم ولی به محض تغییر گفتمان و اینکه امام گفت: «این جنگ، جنگ حق علیه باطل است و...» و سیل عظیم نیروهای مردمی و بسیج به جبهه اعزام شدند، شرایط تغییر کرد به طوری که از آن زمان پیروزی‌های متعدد به وجود آمد و حتی داخل خاک عراق شدیم و در پایان جنگ و پذیرش قطعنامه شاهد مشکلاتی برای کشور بودیم که حتی نیروی دشمن تا نزدیک اهواز پیشروی نمود ولی وقتی مردم در صحنه دفاعی حاضر شدند ما شاهد خنثی شدن همه‌ی توطئه‌های دشمن بودیم.

حتی در حوادث ۱۸ تیر ۷۸ که عده‌ای اراذل و اوباش امنیت جامعه را تهدید می‌کردند مجدداً حضور میلیونی مردم در ۲۳ تیر در واقع همه‌ی توطئه‌های دشمن را ذوب کرد. دشمن این موضوع را خوب فهمیده که جدایی بین مردم و نظام می‌تواند منجر به غلبه و سلطه آنها بر کشور باشد، این یک تغییر مهم گفتمانی است.

تغییر دیگری که به وجود آمده به نحوه‌ی تأمین سلاح مورد نیاز برمی‌گردد. از دیدگاه نظام قبل از انقلاب سلاح‌های مدرن و ارقام تسلیحاتی مختلف تعیین‌کننده‌ی سرنوشت نظام بودند ولی انقلاب اسلامی این گفتمان را تغییر داد. به این معنا که خون بر شمشیر پیروز است و سلاح ایمان بر هر سلاحی پیروز است. گفتمان امنیتی را تغییر داد. تا این زمان حفظ امنیت یعنی حفظ جان انسان‌ها ولی انقلاب اسلامی نشان داد که یک ملت با دست خالی بدون اسلحه می‌تواند بر یک رژیم تا دندان مسلح - رژیم شاه - غلبه پیدا کند و آنها را تسلیم نماید. امام (را) تا قبل از پیروزی انقلاب مطلقاً اجازه‌ی استفاده از اسلحه را ندادند و اهداء گل به سربازان رژیم شاه موجب پیدا شدن محبت بین مردم و ارتشیان شد و ارتشیان را به مردم ملحق می‌کرد و حتی فرماندهان را در مقابل سربازان قرار می‌داد، زمانی رسید که پادگانهای نظامی ما دارای فرمانده بودند ولی سرباز نداشتند، و نظر امام این بود که با تصرف و تسخیر قاعده‌ی هرم نظامی که سربازان بودند، رأس هرم که فرماندهان باشند فرو می‌ریزد و حال آنکه در کودتاهای نظامی نقش اول را فرماندهان به عهده دارند ولی در انقلاب اسلامی این گفتمان تغییر کرد و نقش توده‌ها به عنوان نقش اول مطرح گردید. در زمان جنگ نیز نیروی بسیج

مردمی بود که موجب تغییر شرایط گردید. این گفتمان امروزه قدرت خود را به اثبات رسانده است. بعد از پیروزی انقلاب در لبنان در حالیکه پنج قدرت بزرگ: امریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل آنجا را به یک پادگان بزرگ نظامی تبدیل کرده بودند، جوانان محروم شیعه جنوب لبنان که در فقیرترین شرایط زندگی می‌کردند و امام موسی صدر نام «حرکت‌المحرومین» را برای آنها انتخاب کرده بود، این جوان‌ها توانستند این پنج قدرت را وادار به فرار کنند و این از نتایج انقلاب اسلامی بود و بعد از آن عملیات شهادت طلبانه در فلسطین توانسته امنیت اسرائیل را از بین ببرد. دشمنانی که صدها کلاهک اتمی و مدرنترین سیستم‌های نظامی را دارند نتوانسته‌اند با آن مقابله کنند.

پاتریک بوکانین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و تجاوز امریکا به منطقه مقاله‌ی جالبی نوشت که: بازنده‌ی اصلی این جنگ امریکاست زیرا امریکا فقط به قدرت نظامی خود تکیه دارد و این قدرت نظامی و اقتصادی نتوانست حکومت مردم روم را نجات دهد و آنها نیز شکست خوردند زیرا این مسلمانان به دلیل کثرت جمعیت و به دلیل پایبندی به اعتقادات خود حاضرند جان خود را فدا کنند. وقتی جامعه‌ای موضوع ترس از مرگ را برای خود حل کرده شما با چه سلاحی می‌توانید بر این ملت غلبه کنید.

این تحول عظیمی است که در گفتمان امنیتی قبل و بعد از انقلاب به وجود آمده که نقطه عطفی در تاریخ بشریت است.

آخرین تغییر در گفتمان امنیتی تغییر در اهداف است. یک تعریف برای بقاء و حفظ جان و مال انسان‌ها بود، یعنی هر جامعه‌ای که بتواند امنیت جانی و مالی مردم را بیشتر تأمین کند موفق‌تر است ولی با پیروزی انقلاب این تعریف تغییر کرد یعنی تأمین امنیت زمانی است که ارزش‌های مورد نظر یک جامعه از خطر و آسیب در امان باشد.

امنیت نه برای انسان‌ها بلکه برای اهداف و ارزش‌های آن انسان‌ها می‌باشد، بنابراین فدا کردن جان و مال نیز برای حفظ امنیت ارزش‌های متعالی یک جامعه می‌شود.

به همین دلیل امام می‌فرمایند: «اگر همه‌ی ما هم بمیریم، اسلام باید زنده باشد.» این یک تفاوت بنیادین قبل و بعد از انقلاب است.

گفتمان امنیتی قبل از انقلاب بر پایه امنیت حکومت‌ها بود ولی بعد از انقلاب امنیت توده‌ها و مردم مطرح بود، همچنین حجم و نوع تسلیحات در قبل از انقلاب تعیین کننده

۲۸۲ بود ولی بعد از انقلاب تغییر کرد، هدف امنیت نیز قبل از انقلاب حفظ جان و مال مردم بود و حال آنکه بعد از انقلاب همه‌ی این گفتمان‌ها تغییر کرد. تکیه بر مردم به جای علیه مردم بودن جایگزین شد. حفظ ارزش‌های مسلط بر جامعه به عنوان هدف امنیت نیز بعد از انقلاب مطرح گردید.

گفتمان بعد از انقلاب هم دارای صورت‌بندی جدید و هم دارای کنش‌های متفاوت است.

دکتر محسن مدیرشانه‌چی

ج ۱. امنیت بی‌تردید از لوازم بقای هر جامعه است. اما این مقوله در ایران پیش از انقلاب همچون غالب جوامع استبداد زده مشخصاً در محدوده اختناق و سرکوب و انسداد سیاسی تعریف می‌شد و بالطبع شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن نیز عمدتاً استفاده از ابزارها و سازوکارهای امنیتی با چنین تعریفی بود که البته تبلیغات و توجیهات فرهنگی و اجتماعی نیز چنین رویکردی را همراهی می‌کرد.

ج ۲. با توضیح مختصر فوق، قهراً رویکرد و برخورد رژیم پیشین در مواجهه با انقلاب ملت ایران نیز همچون برخورد با دیگر تحولات سیاسی - اجتماعی کشور تابع رویکرد کلی امنیتی این رژیم و معطوف به برخورد قهرآمیز و سرکوبگرانه بود که البته ضعف و تردید و فقدان پشتیبانی خارجی منسجم در این زمینه امکان به کارگیری تام و تمام ابزارها و سازوکارهای مورد نظر رژیم را فراهم نیاورد.

ج ۳. با عنایت به این نکته که در ربع قرن اخیر با ساختار یا ساختارهای یکدست و منسجمی روبه‌رو نبوده‌ایم، شاید سخن گفتن از تعریف مشخصی برای رویکردهای امنیتی ایران پس از انقلاب دشوار باشد. کما اینکه در حوزه‌ها و ساحت‌های دیگر نیز نظیر سیاست خارجی - که از قضا با حوزه امنیت ارتباط تناتنگی می‌یابد - فاقد جهت‌گیری و راهبرد ثابت و واحدی بوده‌ایم.

ج ۴. به طور خلاصه می‌توان به شرایط دیرپای تاریخی، تنوع قومی و مذهبی و فرهنگی و کنش‌ها و تنش‌های ناشی از این تنوع و چندگانگی، تأثیرپذیری از شرایط دگرگون شونده عوامل بیرونی در محیط حساس ژئوپولیتیکی ایران، موقعیت خاص جغرافیایی کشور و نقش قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای و همسایگان، همگی بر

ج ۵. این موضوع نیازمند بررسی جامع و دقیق آراء و اندیشه‌های این بزرگان در قلمرو مورد بحث است.

ج ۶. به نظر می‌رسد شرایط طولانی و دیرپای تاریخی جامعه استبداد زده ایران در طول سده‌های گذشته و توالی دوره‌های ثبات توأم با اختناق از یک سو و آزادی‌های کوتاه مدت توأم با هرج و مرج و نابسامانی از دیگر سو شرایطی را به وجود آورده است که نگاه به مقوله امنیت با همه تحولات بینشی و روشی در این زمینه تا حد زیادی نمی‌توانسته است از رویکرد امنیتی محدود پیشین دور شود و فاصله گیرد و آسیب‌شناسی قضیه را عمدتاً در این راستا باید دید.

ج ۷. دور شدن و فاصله گرفتن از تعریف تنگ و محدود امنیتی گذشته و نگاه فراخ و علمی و جامع به مقوله مهم امنیت، در واقع گذر از مهمترین چالش امنیتی جامعه است که در چهارچوب توسعه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی کشور بالضروره با عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های مشارکت و مشروعیت و توزیع همراه خواهد بود.

ج ۸. در سطح فروملی مسأله تنوع گسترده قوی، زبانی، مذهبی و فرهنگی ایران، برخی تفاوت‌های درون کشوری و متقابلاً بعضی اشتراکات در این حوزه‌ها با خارج از مرزهای جغرافیایی، در سطح ملی موضوع توزیع نابرابر و ناعادلانه قدرت و ثروت و امکانات، در سطح فراملی موقعیت حساس و تأثیرپذیر ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکولتورال کشوری چون ایران در چهارراه حوادث و نقطه کانونی هارتلند جهان که در آغاز قرن بیست و یکم نیز هنوز خاستگاه مهمترین تنش‌ها و بحران‌های سیاسی، نظامی و امنیتی محسوب می‌شود، بر بافت امنیتی امروز و فردای کشور سایه افکنده است. بر این مبنا، در سطح فروملی موضوع رفع تبعیض و جبران تبعیضها و نابرابری‌های گذشته از طریق آنچه به اصطلاح «تبعیض مثبت» خوانده می‌شود، در سطح ملی رفع نابرابری‌های اشاره شده و توجه به توسعه جامع در ابعاد پیشگفته به منظور افزایش رضایت و وفاق و همگرایی و همبستگی ملی، و در سطح فراملی اتخاذ سیاست خارجی منسجم، واقع‌گرایانه، علمی و متکی به منافع ملی می‌تواند دکترین یا آموزه امنیتی مطلوب تلقی شود. تکوین چنین دکترینی طبعاً شامل همه حوزه‌ها و ساحت‌های نظری، حقوقی یا قانونی و عملی خواهد بود.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی